

بغدادی، همانجاها؛ جیلانی، ۱۲۵؛ نشوان حمیری، ۲۲۱؛ ابوالمعالی، ۵۳-۵۳۱؛ سعد، ۵۴).

بزغ خود همچون مغیره بن سعید و بیان بن سمعان ضمن اینکه امامان (ع) را خدا می‌انگاشت، خود را نبی و باب ایشان می‌دانست (نک: همو، ۵۵). ظهور اندیشه «باییت»، و نیز عقیده تناسخ در نظام فکری مَخْبِسه (پیروان ابوالخطاب در دوره‌های بعد) و غلات شیعه ریشه‌های عمیق دارد. در میان غلات کسانی چون ابوالخطاب و بزغ تمثّل مقام باییت سلمان فارسی و اساساً تمثّل خود او در ادوار و اعصار مختلف به شمار می‌آیند و به همین سبب، بزغ برای مخمسه مقدس می‌نمود (نک: همو، ۵۶-۵۷؛ مقدسی، ۱۳۰/۵).

از مجموع عقایدی که ابوالحسن اشعری و دیگران به بزغ و پیروانش نسبت داده‌اند، بر می‌آید که وی و پیروانش علاوه بر اشتراک با برخی اندیشه‌های غلات شیعی، همچون مفهوم تشبیه و استمرار تسلسل نبوت و باییت، به تأویل قرآن نیز معتقد بودند و آراء خود را بر اساس منظری تأویلی از قرآن استنباط می‌کردند (نک: اشعری، همانجا) و از این رو، معتقد بودند که آنچه بر دلهای ایشان القا، یا واقع می‌شود، همانا وحی است (ابوالمعالی، ۵۳۱؛ اشعری، همانجا؛ نشوان حمیری، ۱۶۷). بنابراین، می‌توان گفت که بزغیه «تفکر» را فرایندی مستقل و خود بنیاد نمی‌دانستند و علم و معرفت را «ضروری» و آفریده خدا، و گونه‌ای از الهام بر قلوب مؤمنان می‌شمردند. سابقه این عقیده به شیعیان اولیه می‌رسد (نک: فان اس، ۶۷-۶۸؛ برای این عقاید، نک: هالم، 206-208).

مآخذ: ابن حزم، علی، الفصل، بیروت، ۱۹۸۶م؛ ابوتام نیشابوری، یوسف، «باب الشیطان» (نک: مآبوتام)؛ ابوحاتم رازی، احمد، «الزیت»، ضمن الغلو و الفرق الغالیة عبدالله سلوم سامری، بغداد، ۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م؛ ابوالمعالی، محمد، بیان الادیان، به کوشش هاشم رضی، تهران، ۱۳۴۲ش؛ اشعری، علی، مقالات الاسلامیین، به کوشش هلموت ریتز، ویسبادن، ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م؛ بغدادی، عبدالقاهر، اصول الدین، استانبول، ۱۳۴۶ق/۱۹۲۸م؛ جیلانی، عبدالقادر، الفتنه لطالبی طرق الحق، بیروت، ۱۹۹۶م؛ خوارزمی، محمد، مفاتیح العلوم، به کوشش ابراهیم ایبازی، بیروت، ۱۹۸۲م؛ سعد بن عبدالله اشعری، مقالات و الفرق، به کوشش محمدجواد مشکور، تهران، ۱۳۶۱ش؛ فان اس، یوزف، «ساخت منطقی علم کلام اسلامی»، ترجمه احمد آرام، تحقیقات اسلامی، تهران، ۱۳۶۵-۱۳۶۶ش، س ۱، شد ۱، س ۲، شد ۱؛ کشی، محمد، معرقة الرجال، اختیار شیخ طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ش؛ کلینی، محمد، الکافی، به کوشش علی‌اکبر غفاری، تهران، ۱۳۹۱ق؛ مقدسی، مطهر، البیة و التاريخ، به کوشش کلیمان هوار، پاریس، ۱۹۱۶م؛ نشوان حمیری، الحورالعین، به کوشش کمال مصطفی، بیروت، ۱۹۸۵م؛ نوختی، حسن، فرق الشیعة، به کوشش هلموت ریتز، استانبول، ۱۹۳۱م؛ نیز:

Abū Tamīm, «Bāb al-Shayṭān, An Ismaili Heresiography of W. Madelung and P. E. Walker, Leiden etc., 1998; Halm, H., Die islamische Gnosis, München, 1982.

بساسیری، ابوالحارث ارسلان (مق ۴۵۱ق/۱۰۶۰م)، از امرای نامدار ترک در پایان عصر آل بویه که یک چند خلافت عباسی بغداد را برانداخت و به نام فاطمیان بر عراق فرمان راند. در برخی از منابع از او با لقب «مظفر» یاد کرده‌اند (ابن جوزی، ۵۶/۱۶؛ ابن قلاسی، ۸۷) و در

السبع، به کوشش عبدالمجید قطامش، دمشق، ۱۴۰۳ق؛ ابن جزری، محمد، غایة النهایة، به کوشش برگشترسر، بیروت، ۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م؛ همو، النشر فی القراءات العشر، به کوشش علی محمد ضیاع، قاهره، المکیة التجارية؛ ابن جوزی، عبدالرحمان، کتاب الضعفاء والمتروکین، به کوشش عبدالله قاضی، بیروت، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م؛ ابن حبان، محمد، الثقات، حیدرآباد دکن، ۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م؛ ابن مجاهد، احمد، السیقة فی القراءات، به کوشش شوقی ضیف، قاهره، ۱۴۰۰ق؛ ابن مهران، احمد، المبرط، به کوشش سبیح حمزه حاکمی، دمشق، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۰م؛ ابن ناصرالدین، محمد، توضیح المشتبه، به کوشش محمدتیم غرقوسی، بیروت، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳م؛ ابوعمر دانی، عثمان، التیسیر، به کوشش پرتسل، بیروت، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۵م؛ اندرایی، احمد، قراءات القراء المعروفین، به کوشش احمد نصیف جنابی، بیروت، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۶م؛ حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۳ق؛ خازن، علی، لباب التأویل، بیروت، دارالفکر؛ ذهبی، محمد، تاریخ الاسلام (حوادث و وفیات ۲۴۱-۲۵۰ق)، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م؛ همو، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شیب ارزووط و دیگران، بیروت، ۱۹۹۶م؛ همو، معرقة القراء الکبار، به کوشش یشار عواد معروف و دیگران، بیروت، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م؛ همو، میزان الاعتدال، به کوشش علی محمد بجاری، قاهره، ۱۳۸۲ق/۱۹۶۳م؛ سمانی، عبدالکریم، الانساب، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م؛ عقیلی، محمد، کتاب الضعفاء الکبیر، به کوشش عبدالمعطی امین قلعجی، بیروت، ۱۴۰۴ق/۱۹۸۲م.

محمدعلی لسانی فشارکی

بزغ بن موسی، نک: بزغیه.

بزغیه، از فرقه‌های غالی شیعی که به بزغ بن موسی (احتمالاً در گذشته پیش از ۱۴۸ق/۷۶۵م) منسوبند. برخی نام پیشوای این فرقه را بزغ (کشی، ۳۰۴؛ سعد بن عبدالله، ۵۲) و نام پدر او را یونس دانسته‌اند (ابوتام، ۱۱۲؛ خوارزمی، ۵۰).

به گزارش منابع فرقه‌شناسی، گروهی از خطایان، پیروان ابوالخطاب اسدی غالی مذهب (نک: ه د، ابوالخطاب) در شمار هواداران گرایش فکری و مذهبی بزغ بن موسی درآمدند. اینان مدعی بودند که امام صادق (ع) در مقام الوهیت خود، بزغ را با ابوالخطاب در نبوت و رسالت شریک گردانیده است؛ و مشارکت آن دو را به شریک بودن موسی و هارون (ع) در امر نبوت تشبیه می‌کردند (ابن حزم، ۱۸۶/۴؛ نیز نک: نوختی، ۲۸؛ سعد، ۵۲، ۵۵؛ قس: ابوحاتم، ۳۰۶). که به اعتقاد بزغیه مبنی بر انتخاب بزغ توسط ابوالخطاب اشاره کرده است). به همین سبب، منابع فرقه‌شناسی، بزغیه را در شمار فرق خطایی مسلک قرار دادند، حال آنکه پیروان ابوالخطاب از بزغ برائت می‌جستند (نک: نوختی، همانجا؛ سعد، ۵۲؛ بغدادی، ۲۹۵) و با آنکه بزغ در محافل امامی کوفه حضور می‌یافت، امام صادق (ع) هم از دعاوی وی بیزاری می‌جست (سعد، همانجا؛ کلینی، ۲۵۸/۷) و او را در شمار کسانی چون بیان بن سمعان و مغیره، از غالیان مشهور و نیز کسانی یاد می‌کرد که بر امامان (ع) دروغ می‌بندند (کشی، ۳۰۴، ۳۰۵)؛ زیرا بزغیه برای امام صادق (ع) مقام الوهیت قائل بودند و می‌گفتند که ایشان در نظر مردم، به صورت انسان تمثّل یافته است. به عقیده اینان، مؤمنان، یعنی بزغیه مخاطب وحی الهی و مقامشان از فرشتگان مقرب و حتی رسول خدا برتر است (برای تفصیل، نک: اشعری، ۱۲؛ ابوتام،